

بازتاب شرایط اجتماعی در تحلیل کنش‌های گفتاری تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار

سوسن جبری*

دانشیار دانشگاه رازی

مریم جعفری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

موضوع این پژوهش بررسی کنش‌های گفتاری در بخش تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار و عده‌الابرار است. شیوه پژوهش بر پایه نظریه جان راجرز سرل و طبقه‌بندی پنجگانه او از کنش‌های گفتاری و نمونه‌برداری سیستماتیک از پاره‌گفتارها قرار دارد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بیشترین بسامد را کنش‌های اظهاری با حدود ۵۵٪ از کل کنش‌ها دارد و قصد آن بیان باورهای صوفیانه میبیدی است که اغلب از زبان خداوند و مشایخ طریقت بیان می‌شود. پس از آن کنش‌های عاطفی با ۲۶٪ قرار دارد که از زبان خداوند نقل می‌شود و قصد آن فراخوانی عواطف مخاطب و اقناع است. پس از آن کنش‌های ترغیبی با ۱۵٪ فراوانی قرار می‌گیرند. بسامد کمتر کنش ترغیبی نشان می‌دهد که قصد ترغیب مخاطب و تبلیغ صریح چندان مورد توجه صوفیان بزرگ نیست و کمتر کاربرد دارد. در مرتبه چهارم، کنش‌های تعهدی با ۲٪ هستند که قصد دارند، مهر و بخشش الهی را از زبان خداوند تعهد کنند. سرانجام کنش‌های اعلامی هستند با کمتر از ۱٪ از اصول دین، از زبان خداوند و قرآن سخن می‌گویند. تحلیل کنش‌های گفتاری، موضع پنهان میبیدی را نسبت به جریان‌های فکری دوران بازمی‌تاباند و حضور او را در گبرودار جدال میان اهل شریعت و اهل طریقت و همچنین جدال میان فرقه‌های صوفیه اهل عشق و اهل زهد در هرات قرن ششم نشان می‌دهد نیز، نگرش انتقادی او را به جریان‌های فکری روزگارش آشکار می‌سازد و بالأخره راهبرد گزیده میبیدی را در جمع‌آوری، حفظ و سامان دادن به یک نظام فکری منسجم از اندیشه‌های مشایخ پیشرو صوفیه می‌نمایاند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، کنش‌های گفتاری، جان راجر سرل، کشف‌الاسرار

۱- مقدمه

زبان‌شناسی به نظریه‌های تازه‌ای در باره نقش اجتماعی زبان رسیده‌است که آن را به نام تحلیل گفتمان می‌شناسیم. نظریه تحلیل گفتمان «در پی کشف کارکردهای اجتماعی زبان و چگونگی جای گرفتن مختصات آن در لایه‌های زیرین گفتمان است. این نظریه به این موضوع می‌پردازد که کارکردهای اجتماعی زبان چگونه در لایه‌های زیرین تصویرسازی یا باز نموده شده- است» (پارمحمدی، ۱۳۸۵: ۵). به عبارت دیگر تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است که به دو عنصر بافت زبانی یا سنتی و بافت موقعیت یا بافت غیرزبانی توجه ویژه دارد. بافت زبانی بر محیط زبان یک واحد زبانی یعنی بر روابط دستوری و معنایی این واحد با دیگر واحدهای زنجیره گفتار یا متن دلالت دارد و بافت موقعیتی یا غیرزبانی و همچنین دانش مشترک گوینده و شنونده را در بر می‌گیرد (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۶۶).

بررسی تحلیل زبان در کاربرد و عنصر بافت زبانی و مطالعه معنا و انتقال آن از طریق زبان در شاخه‌های گوناگون معناشناسی؛ اعم از معناشناسی زبانی، معناشناسی فلسفی و معناشناسی منطقی و کاربرد شناسی معنا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. «گاه چنان پیوندهایی میان این مباحث دیده می‌شود که برخی میان دو شاخه معناشناسی و کاربردشناسی زبان تمایز قائل شده‌اند و بعضی این تمایز را مردود شناخته‌اند و مرزبندی میان معنی‌شناسی و کاربردشناسی را مانع مطالعه جامع معنا به شمار آورده‌اند. لیکاف و لنکاگرا از این شمارند. آن‌ها حذف بافت غیرزبانی را نوعی ساده‌اندیشی در مطالعه معنا می‌دانند» (همان: ۱۴۲).

در میان نظریه‌های معناشناسی و تحلیل گفتمان، نظریه کنش‌گفتاری قرار دارد. صاحب-نظران نظریه کنش‌های گفتاری بر این عقیده‌اند که معناشناسی با همه نظریه‌هایی مطرح شده از قبیل نظریه ارجاعی، نظریه مفهومی، نظریه رفتارگرایی، نظریه معنا به منزله کاربرد، نظریه اثبات-گرایی و نظریه شرایط صدق، نتوانسته توصیفی جامع از معنا ارائه دهد و برخی از جنبه‌های معنایی در این نظریه‌ها از جمله کنش‌های گفتاری نادیده گرفته شده‌اند (پهلوان‌نژاد و ناصری، ۱۳۸۷: ۳۹).

اصطلاح کنش‌گفتاری اصطلاحی در حوزه علم معناشناسی زبان است و در واقع یکی از این دیدگاه‌های معناشناسی است که معانی ضمنی متن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. این دیدگاه بر این باور است که زبان جهان را بازنمایی می‌کند و چگونگی پیوند جهان بیرونی و گوینده یا نویسنده یا بافت بیرونی را که متن در آن شکل گرفته از راه تحلیل متن شناسایی می‌کند. علاوه بر این نوعی شیوه تحلیل و فهم معانی ناپیدا و ناگفته‌های متنی است که در سطح زیرین متن و گفتار جای دارند. معانی که گوینده به «دلایلی چون ملاحظات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و... نمی‌خواهد و نمی‌تواند آن‌ها را بیان کند» (فضائلی و نگارش، ۱۳۹۰: ۸۳).

۱-۱- رویکرد پژوهش

شیوه‌های پژوهش در زبان‌شناسی ابزارهای مناسبی در اختیار بسیاری از پژوهشگران علوم

انسانی و از جمله منتقدان ادبی می‌گذارد تا از زوایای گوناگونی بتوانند متن را تحلیل و بررسی کنند. نظریه کنش گفتار که جان آستین از این جمله است (آستین، ۱۹۷۰). آستین و ویتگنشتاین از برجسته‌ترین و مؤثرترین کسانی تلقی می‌شوند که در توجه فلسفه قرن بیستم به رویکردهای زبانی نقش آفرین بوده‌اند. در واقع نظریه کنش گفتاری «واکنش آستین به سه اصلی بود که معناشناسان زبانی و معناشناسان منطقی آن‌ها را به عنوان اساس نگرش نسبت به معنا پذیرفته بودند. این سه اصل عبارت بودند از نخست؛ جملات خبری که گونه اصلی جملات زبان هستند. دوم؛ کاربرد اصلی زبان که اطلاع دادن از طریق جملات است. سوم؛ صدق و کذب معنی جملات را می‌توان تعیین کرد. آستین چون ویتگنشتاین تکیه‌گاهش را در تحلیل معنا بر کاربرد زبان قرار داد. او به جای توجه به معنای لفظ، صرف نظر از کاربرد متکلم به جستجوی معنای ضمن کاربرد زبان پرداخت» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

آستین سه گونه کار متکلم را از یکدیگر تفکیک کرد «اول؛ کنش گفتاری همان تلفظ واژگان و به زبان آوردن جمله‌ای ویژه است یعنی کنش بیانی (خود زبان)، دوم؛ کنش ضمن گفتاری مراد اعمالی است که ما با بیان یک جمله انجام می‌دهیم. یعنی کنش غیربیانی یا کنش منظوری (مربوط به قصد گوینده)، سوم؛ کنش از طریق گفتار به معنای تاثیراتی است که کنش ضمن گفتاری بر مخاطب می‌گذارد. کنش پس بیانی یا کنش تأثیری (مربوط به تأثیر بر مخاطب)، از میان سه گونه یادشده، آستین معنا را همان کنش ضمن گفتاری می‌داند» (آستین، ۱۹۷۰؛ ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۱۰۲). در واقع، اعمالی را که گفت‌ها انجام می‌دهند؛ به طور عام کنش گفتاری می‌نامند. در زبان انگلیسی از این کنش‌ها با نام‌های ویژه‌ای چون؛ عذرخواهی، شکایت، تمجید، دعوت، وعده یا درخواست نیز یاد می‌شود. این واژه‌های توصیفی برای بیان کنش‌های گوناگون گفتاری به کار می‌رود و با نیت ارتباطی گوینده در تولید پاره‌گفت پیوند دارد و در واقع گوینده انتظار دارد، شنونده نیت ارتباطی وی را بفهمد. «در این فرایند، معمولاً شرایط حاکم بر پاره‌گفت به گوینده و شنونده؛ هر دو یاری می‌رساند. شرایط حاکم بر پاره‌گفت را به همراه دیگر پاره‌گفت‌ها، رخداد گفتاری می‌نامند. از بسیاری جهات این ماهیت رخداد گفتاری است که تعیین می‌کند، یک پاره‌گفت به منزله اجرای یک کنش گفتاری تفسیر شود» (یول، ۱۳۸۹: ۶۷).

۱-۲- نظریه کنش گفتاری جان سرل

مفسران بنیان‌گذار علم معانی در قرن پنجم هجری به موضوع صدق و کذب گزاره‌های زبانی پرداخته و جملات را به دو گروه خبری و انشایی تقسیم کرده‌اند. آنان جملات خبری را در سنجش با واقعیت بیرونی دارای قابلیت صدق و کذب می‌دانند؛ اما جملات انشایی را فارغ از صدق و کذب تلقی می‌کنند (جرجانی، ۱۳۶۸). پس از نه‌صد سال این موضوع، این بار در غرب و در میان فیلسوفان و زبان‌شناسان مطرح می‌شود. معناشناسانی چون آستین بین گزاره‌های خبری معنادار دارای قابلیت صدق و کذب و دیگر انواع جملات معنادار تمایز قائل می‌شوند. آستین جملات

معنادار غیرخبری را جملات کنشی می‌نامد. او نیز از دیدگاه مطابقت گزاره‌های زبانی با واقعیت، جملات را به دو گروه توصیفی و ارزشی تقسیم می‌کند و جملات ارزشی را فاقد معنا یا به عبارتی فاقد قابلیت صدق و کذب می‌داند. از دید آستین گزاره‌های زبانی چه توصیفی و چه ارزشی در واقع پدیدآورنده عمل و کنشی هستند که در جهان بیرون از زبان تغییر ایجاد می‌کنند؛ «مدلی که نظریه کنش کلامی از زبان ارائه می‌کند، نگرشی در باب کاربرد و معنای زبان در بافت ارائه می‌کند و رفتار زبانی را در دل شرایط اجتماعی و نهاده‌ای که از آن‌ها سربرآورده است، قرار می‌دهد» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۲۳۶). بنابر این مدل کنش‌های گفتاری در هر متنی و کاربردی از زبان حضور دارد. جان سرل بر پایه نظریه جان آستین کنش‌های گفتاری را به پنج دسته؛ اظهاری، اعلامی، تعهدی، ترغیبی و عاطفی تقسیم می‌کند (ر.ک: سرل، ۱۹۶۹، ۵۷-۶۱). کار مهم جان سرل دسته-بندی افعال برای تعیین کنش‌های گفتاری پاره‌گفتار است.

۱-۴- پیشینه پژوهش

کاربرد نظریه کنش گفتار در نقد متون پیشینه کوتاهی دارد. از جمله ابوالفضل ساجدی (۱۳۸۱) در مقاله «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» به نقش کنش‌های عاطفی و تأثیر آن بر مؤمنان پرداخته است. زهرا ابوالحسنی چیمه (۱۳۸۲) در مقاله «شگردهای زبانی تبلیغات» از این نظریه در تحلیل چگونگی تأثیرگذاری زبان بر مخاطب در تبلیغات بهره برده‌اند. محمدرضا پهلوان نژاد و نصرت ناصری مشهدی (۱۳۸۷) در مقاله «تحلیل متن نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی‌شناسی کاربردی» از این نظریه در تحلیل برخی ناگفته‌های ابوالفضل بیهقی در «نامه سران تگیناباد به امیر مسعود» بهره برده‌اند. محمدرضا پهلوان نژاد و لیدا اصطهباناتی (۱۳۸۷) در «بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵، سازمان ملل» و در رساله کارشناسی ارشد لیدا اصطهباناتی (۱۳۸۶) بسامد کنش اظهاری و ترغیبی در سخن سیاستمداران را تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که قصد آنان بیان نظراتشان و ترغیب مخاطبان به پذیرش دیدگاه‌هایشان بوده‌است. محمدرضا پهلوان نژاد و مهدی رجب‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله «تحلیل متن شناسی زیارت‌نامه امام رضا (ع) بر پایه نظریه کنش گفتار» با توجه به تحلیل بسامد کنش‌های عاطفی، به فهم رابطه عاطفی عمیق بین گوینده و مخاطب رسیده‌اند. صانعی-پور (۱۳۹۰) در کتاب «مبانی تحلیلی کارگفتی در قرآن کریم»، توجه پژوهشگران را به تأثیرات بافت بیرونی بر متن کلام الهی جلب کرده‌اند. مهدی زرقانی و الهام اخلاقی (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش گفتار» قابلیت این نظریه برای نقد متون ادبی ارزیابی کرده‌اند. فائزه عرب یوسف آبادی، زهرا اختیاری، سیدجواد مرتضایی و سمیرا بامشکی (۱۳۹۱) در «بررسی تطبیقی کنش‌های گفتاری مقامه فی السکباج از مقامات حمیدی با مقامه المضیریه از مقامات بدیع الزمان همدانی» نظریه را در نفی ادعای تقلید بدیع الزمان همدانی از قاضی حمیدالدین به کار گرفته‌اند. مریم فضالی و محمد نگارش (۱۳۹۰) در «تحلیل خطبه پنجاهویکم

نهج‌البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری» با تحلیل بسامد کنش اظهاری و ترغیبی در خطبه پنجاه‌ویکم نهج‌البلاغه به تناسب آن با بافت بیرونی گفتمان جنگ با سپاهیان معاویه رسیده‌اند. در میان پژوهش‌ها تا کنون به بررسی بازتاب شرایط اجتماعی در تحلیل کنش‌های گفتاری تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار دست نیافتیم.

۱-۵- پرسش پژوهش

قصدهای اجتماعی ناگفته ابوالفضل رشیدالدین میبیدی از تألیف بخش تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار کدام است؟ و راهبردی که او در عرصه مبارزه با جریان‌های فکری روزگارش برگزیده چیست؟

۱-۶- رویکرد نظری پژوهش

تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان هنگام کاربرد زبان است و به کشف پیوند میان یک متن و بخش‌های پنهانی و لایه‌های زیرین اجتماعی آن می‌پردازد. یکی از راه‌های کشف این لایه‌های زیرینی بررسی کنش‌های گفتاری درون متن است که در کاربردشناسی زبان اهمیت دارد و نگاه‌های بسیاری را به خود جلب کرده است. در این پژوهش نیز با به‌کارگیری نظریه کنش‌گفتار جان سرل، متن تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار ابوالفضل رشیدالدین میبیدی برای دست‌یابی به چندوچون حضور کنش‌های گفتاری در متن و تحلیل چگونگی بازتاب شرایط اجتماعی در آن بررسی شد و از دیدگاه این نظریه، با تأمل در متن پاره‌گفتارها و محتوای گزاره‌های آن، کنش‌های گفتاری به دست‌آمده طبقه‌بندی شد. تحلیل بسامد کنش‌ها توانست ما را در دست‌یابی به مقاصد نویسنده و تأثیر آن بر مخاطبان یاری کند و همچنین رابطه میبیدی با جریان‌های فکری را در جامعه روزگارش نشان دهد. بسیاری از پژوهشگران مکاتب گوناگون زبان‌شناسی کاربردی بر این باورند که نظریه کنش‌های گفتاری در تحلیل زبان متون کهن و زبان‌های فراموش‌شده، کارایی ندارد. این داوری بدان سبب است که آنان کمتر با متون کهن سروکار داشته‌اند و با ظرفیت‌های زبانی این متون و نقش عظیم تاریخی فرهنگی اجتماعی آن‌ها آشنایی ندارند. زبان متون صوفیه در طی هزار سال گذشته، کارکرد گسترده اجتماعی داشته و جریان‌های فکری و فرهنگی بسیاری را آفریده و هدایت کرده است. «صوفی از زبان یک ابزار جنگی می‌سازد، خلاف سخن اهل ظاهر، که همواره با قانون و نهاد و قرارداد ارتباطی استوار دارد، کلام صوفی ضد قرارداد و ضد نهاد است. بدون سقوط در بوروکراسی بدون پایبند شدن بوروکراتیک و نهادگرایانه به یک مقام، یک رمز، یک نهاد معین، ماشینی رمززدا، عصبانی، آشوبگر، پرتحرک. ماشین این زبان همواره در حرکت و سفر است، تا پای‌بند یک نهاد معین نباشد» (مشرف، ۱۳۸۲: ۳۰۱-۳۰۲). از این روی با شیوه تحلیل گفتمان و بررسی کنش‌های گفتاری این متون به بسیاری از ابعاد پنهان اجتماعی رویدادهای تاریخی دست می‌یابیم.

نقش فرهنگی متون کهن به ویژه متون صوفیانه چندان عظیم است که همین امروز هم بازتاب وجود برخی اندیشه‌های صوفیان بزرگ از بایزید قرن سوم (وفات ۲۶۱ ه. ق) تا مولانای (وفات

۶۲۷ ه.ق) قرن هفتم در نگرش‌هایمان آشکار است.

آیا در سرزمینی دیگر، چنین متونی با تأثیرگذاری مداوم بر اندیشه همه طبقات اجتماعی در طی هزار سال یافت می‌شود؟ آثار امروز شاعرانی چون؛ شفیعی کدکنی، اخوان، شاملو و دیگران و همچنین نثر روایی جمالزاده، جلال آل احمد، تقی مدرسی و دیگران از زنده‌بودن و تأثیرگذاری متون کهن بر معاصران خبر می‌دهد. این موضوع ما را متقاعد می‌کند که کاربرد نظریه تحلیل گفتمان و کنش‌گفتاری در تحلیل این متون ناگفته‌های بسیاری از روابط اجتماعی را آشکار می‌سازد.

۱-۷- شیوه پژوهش

تحلیل گفتمان مطالعه‌ای میان رشته‌ای است که در دهه‌های اخیر به دنبال دگرگونی‌های گسترده در اندیشه نظریه‌پردازان در رشته‌های مختلف علوم انسانی پدید آمده است. این پژوهش نیز با به‌کارگیری نظریه کنش‌گفتاری که خود زیرشاخه‌ای از تحلیل گفتمان است، انجام شده است. به کارگیری دسته‌بندی روشن کنش‌ها و معرفی افعال بیانگر این کنش‌ها در نظریه کنش‌گفتاری جان سرل موجب شد تا این شیوه پژوهش، مبنای بررسی کنش‌های گفتاری در بخش تفسیر عرفانی کشف الاسرار قرار بگیرد. واحد بررسی نمونه‌ها در متن، پاره‌گفتار است که اغلب معادل همان جمله مستقل دارای معنای کامل است. یعنی آن واحد متن که گوینده مقصودش را کامل بیان و خواننده یا شنونده آن قصد را به طور کامل درک می‌کند. بافت متن نیز راهنمای ما در تعیین معانی ضمنی و تعیین نوع کنش گفتاری پنهان در پاره‌گفتارها بوده است.

برای انتخاب نمونه‌ها، شیوه نمونه‌برداری سیستماتیک (ر.ک: شیفر، ۱۳۸۲: فصل هفتم) انتخاب شده که با توجه به ماهیت متن کشف‌الاسرار که شامل ده مجلد و چهار صد و چهل و شش بخش مستقل است، کارایی دارد. طبق این شیوه نمونه‌برداری هفتادویک بخش کامل از ده مجلد انتخاب و از کنش‌های گفتاری آن‌ها یادداشت‌برداری شد. دستاورد کار، استخراج حدود پنج هزار و شش صد نمونه از کنش‌های گفتاری بود که طبقه‌بندی و سپس تحلیل شدند.

۲- تحلیل کنش‌های گفتاری

بنیاد دین اسلام بر کلام مقدس قرآن است که در طول قرن‌ها تفاسیر زیادی از آن با انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی گوناگون ارائه شده است. یکی از آن‌ها تفسیر ابوالفضل رشیدالدین میبیدی است که در بخش سوم آن از دیدگاه صوفیه به تفسیر آیات پرداخته است. در این پژوهش به شیوه جان سرل که بر پایه نظریه جان آستین قرار دارد، افعال بیانگر کنش‌های گفتاری به پنج دسته اظهاری، اعلامی، تعهدی، ترغیبی و عاطفی تقسیم شده است.

۲-۱- کنش اظهاری^۱

این کنش گفتاری بیان یک واقعه، گزارش از یک فرآیند و یا باور و عدم باور گوینده نسبت به

چیزی، توصیف حالت یا حادثه‌ای، نتیجه‌گیری، تأکید، ابراز حقایق، اعتقاد نسبت به درستی یا نادرستی مطلبی را اظهار می‌دارد. به عبارتی، گوینده می‌گوید چیزها چگونه هستند. این کنش تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می‌دهد. برخی افعال بیانگر کنش اظهاری عبارتند از: آغاز کردن، ابراز کردن، اثبات کردن، ادعا کردن، اظهار کردن، اعتراض کردن، اعطای کردن، التماس کردن، بحث کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تأیید کردن، تصحیح کردن، تغییر فعالیت دادن، تفسیر کردن، تکذیب کردن، دلیل آوردن، توصیف کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، رها کردن، شرح دادن، گزارش دادن، گفتن، محدود کردن، مطمئن بودن، معرفی کردن، نسبت دادن، نفی کردن، نقد کردن، واگذار کردن، نقد کردن، محدود کردن، رها کردن، گفتن، گزارش دادن، مطمئن بودن (پهلوان‌نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷: ۱۰).

پرسامدترین کنش در متن تفسیر عرفانی میبیدی، کنش گفتاری اظهاری است. از میان اهداف کنش گفتاری مانند بیان یک واقعه، بیان گزارش و یا بیان باور و اعتقاد گوینده، اغلب بیان باورهای گوینده و دیدگاه‌هایش مد نظر بوده است. نویسنده با این کنش گفتاری جهان بیرون را از دیدگاه خود توصیف می‌کند و تلاش دارد تا توصیف خود را از جهانی که شناخته با کلمات مطابقت دهد. تحلیل کنش‌های اظهاری نشان می‌دهد که قصد نویسنده اظهار روشن اندیشه و تجربه‌های صوفیانه بوده است. کنش‌های اظهاری بیش از نیمی از متن و حدود ۵۵٪ کل کنش‌های گفتاری موجود را در بر می‌گیرد. در مجموع از ۳۱۳۱ نمونه گزاره اظهاری؛ بیشترین نمونه در جلد اول با داشتن ۵۸۹ مورد و کمترین نمونه در جلد هشتم با ۸۱ مورد دیده می‌شود.

کنش اظهاری، کنش غالب گفتاری است و فراوانی آن دلایلی دارد. نخست؛ خواست میبیدی به عنوان یک صوفی برای بیان روشن باورهای خویش و توضیح و تکرار و یادآوری آن‌ها است. دوم این که؛ این اظهارات نوعی روشنگری برای زدودن شبهاتی است که در باره باورهای صوفیانه در جامعه روزگار میبیدی وجود داشته است. سوم؛ از آن جا که قرن ششم دوران اوج تألیف متون صوفیه با نگرش‌های گوناگون است، به نظر می‌رسد؛ میبیدی به نوعی، جمع‌بندی سامان‌یافته و راهبردی از کلیت اندیشه دینی و همچنین مبانی اندیشه صوفیانه ارائه می‌کند. بنابراین او از دیدگاه رسیدن به چنین جمع‌بندی به واقعیت‌های بیرونی می‌نگرد و به این طریق جهان بیرون را در اندیشه خود سامان می‌دهد و هویت می‌بخشد. باورهای او چنان عمیق و درونی است که رنگ دعوی فردی ندارد. میبیدی در پی دفاع از چیزی و یا توصیه به چیزی نیست بلکه گوینده‌ای است که شنونده، سخنان بی‌طرفانه‌اش را در میانه جدال‌ها فکری، اغلب از زبان مشایخ بزرگ صوفیه می‌شنود. بی‌طرفی غالب بر زبان میبیدی در بیان اندیشه‌هایش تا بدان جاست که گویا نویسنده در خلوت خود و با خود از باورهای خود سخن می‌گوید. بنابراین مخاطب خود را در رد و قبول باورها، کاملاً آزاد می‌گذارد:

- «جوانمردان طریقت ایشانند که به غیر می‌نگرند، دیده همت به کس باز نکنند، خویشان را

در بیدای کبریای احدیت گم کرده، آتش حسرت در کلبه وجود خود زده، در دریای هیبت به موج دهشت غرق گشته، خردها حیران، دل‌ها یوان، بی‌سرو بی‌سامان، بی‌نام و بی‌نشان» (میبدی، ۱۳۸۲: ج ۶، ۵۲۸)

- «بسم الله الرحمن الرحيم... اسم از سمه است و سمه داغ بود، چون بنده گوید؛ بسم الله معنی آن است که داغ بندگی حق بر خود می‌کنم تا از کسان او باشم. هر سلطانی که بود مرکب خاص خویش دارد، آن را داغی مشهور برنهد تا طمع دیگران از وی بریده گردد» (میبدی، ۱۳۸۲: ج ۹، ۲۵۳).

۲-۲- کنش عاطفی^۲

در این کنش با بیان یک گزاره با فرض حقیقی بودن آن گزاره، در شخص احساسی به وجود می‌آید. «در این کنش گوینده نه تلاش می‌کند تا جهان را با کلمات خود مطابقت دهد (ترغیبی) و نه کلمات را با جهان بیرون (اظهاری) بلکه درستی گزاره عاطفی بدیهی است، چون بیان احساس گوینده است و قابل صدق و کذب نیست» (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۷). کنش‌های عاطفی، نشان دهنده حالات عاطفی و روانی فرد از قبیل شادی، غم، امید، ترس و... است و گوینده از آن برای انتقال احساسات خویش از قبیل عذرخواهی و تبریک و غیره و ذهنیت افراد نسبت به وقایع بهره‌می‌برد و حالت‌های درونی خود را با چنین افعالی بیان می‌کند: «تشکرکردن، آرزوکردن، سلام کردن، خشمگین شدن، عذرخواهی کردن، تبریک گفتن، ناسزاگفتن، خوشحال شدن، افسوس خوردن، حسرت خوردن؛ تهدیدکردن، خشنودشدن، دست‌انداختن، دشنام‌دادن، هجوکردن، احترام‌گذاشتن، شکایت کردن، شوخی کردن، عصبانی شدن، فرضیه‌داشتن، متضمن چیزی بودن، مسخره کردن، ناامید شدن، دلسردشدن، ناسپاسی کردن، تعریف و تمجیدکردن، تعجب کردن، تحسین کردن، قدردانی - کردن، اظهارهمدردی کردن، اهانت کردن، آرزوکردن، پیش‌بینی کردن، تأمل کردن، تبریک گفتن، تردیدداشتن، تسلیم شدن، اظهار تأسف کردن، سپاسگزاری کردن، بیان می‌شود» (پهلوان‌نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷: ۱۳).

کنش عاطفی در زبان صوفیان بزرگ بسامد بسیاری دارد. چون؛ شناخت عاطفی مبنای سلوک صوفیانه است. خواجه عبدالله انصاری در باره زبان عاطفی صوفی در منازل‌السائرين می‌گوید: «سومین درجه دوستی جهشی است که زبان را از بیان وامی‌دارد و کار را به رمزهای باریک می‌کشد. توجه به نشان‌ها و وصف‌ها پایان یافته است. محور کار دوستی پیشگان همین نوع از دوستی و آنچه مادون این درجه باشد و زبان آن را نشان دهد، خواهش‌های غریزه‌ها است که عقل بدان‌ها رهبری می‌کند» (انصاری، ۱۳۷۲: ۹۴). در واقع یکی از ویژگی‌های مورد توجه متن، زبان رمزی صوفیانه سرشار از عاطفه آن است. بسامد بالای کنش‌های عاطفی به ماهیت زبان صوفیانه و محتوای گزاره‌های عاطفی بازمی‌گردد. میبدی در بخش تفسیر عرفانی، صوفی متمایل به مکتب سکر است و از این روی؛ بار عاطفی متن بسیار زیاد است. گاه نیز این کنش برای بیان شگفتی و

آرزوهای نویسنده به کارگرفته شده است.

کنش‌های گفتاری عاطفی نشان‌دهنده پیوند عاطفی عمیق میان انسان و خداوند در جایگاه محبوب و معشوق ازلی است. نویسنده عواطف خود را بیش از همه، نسبت به خداوند و در قالب گفتگوی خدا و من بشری و از زبان خداوند بیان می‌کند و شوری عاطفی در جان انسانی مخاطب می‌افکند. این شور درونی از راه زبان به جان مخاطب راه می‌یابد. او در پی ترغیب نیست و تنها از فهم عاطفی بشری خود از هستی سخن می‌گوید. بنابراین او مخاطب را درون رابطه‌ای عمیق، شورانگیز، یقین‌بخش، پویا و دوسویه با خداوندش در خلوتی که زبان پدیدآورده، تنها می‌گذارد و خود پنهان می‌شود. چنین است که پیوند عاطفی بی‌واسطه میان آفریننده و آفریده خلق می‌کند و خود از میان برمی‌خیزد.

مطلب مهم آن است که بیان کنش‌های عاطفی نوعی بی‌طرفی و آزادی تجربه و انتخاب به مخاطب داده‌است. به عبارتی با توجه به «تمایز میان بیان احساس یا حالتی خاص از یک سو و فراخوان آن حالت و احساس در شنونده...» (آلستون، ۱۳۸۰: ۸۰)، باید گفت: در متن تفسیر عرفانی بیان احساس و فراخوان آن احساس در مخاطب، قدرت تأثیر شگفت‌انگیزی دارد و زمینه‌افزای مخاطب را به واسطه فراخوانی عواطف او فراهم می‌کند. به عبارتی با فراخوانی احساسات، مخاطب خود جهان درونی نویسنده را با هم‌دلی تجربه می‌کند. پیوند عواطف و تجربه در تأثیرگذاری شگرف متن بر مخاطب نقش مهمی دارد. شاید تأثیر شگفت‌انگیز بر مخاطب در متنی تفسیری، بیش از همه برای تحلیلگران گفتمان قابل تأمل باشد. این جاست که نظریه کنش گفتاری که در باره کنش‌های ضمن کارکرد زبان فرد سخن‌گو بحث می‌کند، باید به سخن جمعی توجه کند. زیرا کنش‌های گفتاری در زبان صوفیه اغلب کارکرد و بیانی جمعی می‌یابند. شناخت این کارکردها نیاز به تأمل و درنگ بیشتر بر تحلیل گفتمان متون صوفیه دارد.

در بیان کنش‌های عاطفی، هنگامی که تجربه شهودی از خالق هستی و هستی بیان می‌شود، دیگر بحث صدق و کذب یا درست و نادرست مطرح نیست. «در یک کلام زبان در معنای زبان‌شناسانه و سوسوری آن نقش اصلی را در خلاقیت عارف دارد. حال و قال عارف دو روی یک سکه است» (سهلگی، ۱۳۸۴: ۲۰). در این موارد صوفی از سویی، مانند کنش‌های اظهاری، کلمات را با جهان شهودشده خود مطابقت می‌دهد و از ادراک و تجربه خود سخن می‌گوید و از یک‌سوی دیگر مخاطب را در تجربه غیرمستقیم این شهود سهیم می‌کند و همانند کنش‌های ترغیبی جهان را با کلمات خود مطابقت می‌دهد. در بیان کنش‌های عاطفی نزدیکی میبیدی به نگرش صوفیه اهل عشق در جامعه روزگارش دیده می‌شود. مانند

- «مصطفی (ص) تیز در وی نگریست، دل وی را دید چون کشتی در بحر غیب افکنده، باد جلال از مهب تجلی خاسته، کشتی بشکسته و سلمان سرگشته. زبان سلمان به زیارت دل رفته، دل درجان آویخته، جان درحق گریخته» (همان: ج ۹، ۷۸).

- «آیت کبری به حقیقت آنست که از دیده خلق پوشیده و از تکلف و تصرف رسته، شرابی از غیب روی نهاده، ناخواسته به سر بنده رسیده و چاشنی آن به جان یافته، عیشی روحانی با صد هزار بلبل نهانی، رستاخیز جاودانی، نفسی به صحبت آمیخته، جانی در آرزو آویخته، دلی به نور یافت غرق گشته، از غرقی که هست طلب از یافت باز نمی‌داند و از شعاع وجود عبارت نمی‌تواند، در آتش مهر می‌سوزد و از ناز باز نمی‌پردازد» (همان، ج ۶، ۱۱۴).

- «دوستی خلایق از دل‌هاشان بیرون کشید تا همگی با وی گشتند و در حقیقت افراد روان شدند و از اسباب و مسبب آمدند، یکی دیدند و یکی شنیدند و به یکی رسیدند. زبان با ذکر و دل با فکر و جان با مهر، زبان در یاد و دل در راز و جان در ناز» (همان، ج ۳، ۶۲۵).

آن جا که میبیدی از زبان من جمعی بشری و از عاطفه جمعی بشری سخن می‌گویند، این عاطفه برای همه بشریت قابل فراخوانی است. این عاطفه پر قدرت است، زیرا فارغ از هر ویژگی فردی، همگان در آن سهیم‌اند. همه یک تن و یک تن همگان است. در این جا زبان بیان عاطفه شورانگیز شهود خالق در هستی، بیان کنش گفتاری اظهاری عاطفی است که مرز میان کنش‌های گفتاری را در نظریه کنش گفتاری درهم فرومی‌ریزد. در نتیجه؛ زبان عرفانی میبیدی از راه کنش عاطفی بر جهان برساخته ذهنی مخاطب تأثیر می‌گذارد و آن را دگرگون می‌کند. مانند

- «الصبر دع الله صبر محبان است در حال مشاهدت در وقت تجلی، دیده در نظاره نگران و دل در دیده حیران و جان از دست مهر به فغان» (همان، ج ۲، ۴۰۰).

- «سیوم او را به دل یاد کرد، دل از و پر و زبان از ذکر خاموش «من عرف الله کل لسانه» این ذکر سابق است که زبانش در سر ذکر شد و ذکر در سر مذکور، دل در سر مهر شد و مهر در سر نور، جان در سر عیان شد و عیان از بیان دور. ذکر دام نهاد و غیرت دانه ریخت، مزدور دام دید بگریخت، عارف دانه دید بر دام آویخت» (همان، ج ۲، ۳۹۶).

- «آن مهتر عالم و سید ولد آدم صلوات الله علیه گفت: وقتی آن سر اشقیا، مهجور مملکت، ابلیس را دیدم نزار و ضعیف و درمانده، سر به جیب مهجوری فرو برده...» (همان، ج ۳، ۸۳). در این پاره گفتار کنش عاطفی نشان‌دهنده عشق و بزرگداشت پیامبر (ص) و همچنین بی‌زاری هم‌دلانه از ابلیس است. در پاره گفتار؛ «آه از پایبندی نهانی! فغان از حسرتی جاودانی! زینهار از قهری سلطانی!» (همان، ج ۳، ۶۶۸). بیان حسرت و افسوس دیده‌می‌شود.

میبیدی برای بیان عجز خود و یا انسان به طور عام از کنش عاطفی بهره می‌برد. مانند «و تقصیر رهی بنا بر ضعف و بیچارگی است و او جل جلاله ضعیفان و بیچارگان را دوست دارد» (همان، ج ۷، ۱۸۴). کنش‌های عاطفی علاوه بر خداوند، به ترتیب نسبت به پیامبران، خاندان محمد (ص)، اولیاء، بزرگان دین، انسان کامل و مشایخ صوفیه نیز گسترش یافته‌است. شکلی از آن در کاربرد عبارات بیان احترام و دعایی مانند علیه‌السلام، صلی الله علیه و آله و یا به صورت کوتاه شده (ع) و (ص) آمده‌است.

در مجموع از ۱۵۰۲ مورد کنش عاطفی و بیان احساسات و عواطف، حدود ۲۶٪ کل کنش‌ها را در بر می‌گیرند. بیشترین کنش گفتاری عاطفی در تأویلات جلد اول با ۲۳۲ و جلد دهم با ۲۳۱ مورد و کمترین آن در جلد چهارم با ۸۳ مورد دیده می‌شود.

۲-۳- کنش ترغیبی^۲

کنش‌های گفتاری ترغیبی، تشویق و ترغیب مخاطب به انجام کار مورد نظر گوینده و قرار دادن شنونده در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است. گوینده سعی می‌کند تا کاری کند که چیزهایی انجام شود؛ یعنی از مخاطب می‌خواهد که کاری انجام دهد و در واقع درخواست‌های گوینده را بیان می‌کند. دستورات، فرمان‌ها، سفارشات، تقاضاها، ارائه پیشنهادها، درخواست‌ها و طرح پرسش‌ها نمونه آشکار کنش‌های ترغیبی هستند. در بلاغت سنتی هم با این مورد برخورد می‌کنیم. کنش‌های ترغیبی به زبان دیگر معانی ثانویه جملات انشایی چون طلب، امر، نهی، استفهام، پرسش از چرا، چگونه، چه وقت و دیگر معانی ثانویه مبتنی بر ترغیب را در بر دارد.

فعل‌های به کار گرفته شده در این گروه عبارت است از: تشویق کردن، ترغیب کردن، روحیه-دادن، خواستن، تمنا کردن، التماس کردن، امر کردن، بایستن و ضرورت داشتن، پرسیدن، اطمینان-دادن، اجازه دادن، اخطار دادن، اصرار و پافشاری کردن، اعلان نیاز کردن، القا کردن، بازخواست کردن، به مبارزه طلبیدن، بی‌توجهی کردن، اندرز دادن، پیشنهاد کردن، تجویز کردن، تقاضا کردن، تکرار کردن، توانستن، توصیه کردن، توضیح خواستن، بازخواست کردن، درخواست کردن، اثبات کردن، دستور دادن، دعوت کردن، دوباره راه‌انداختن، پرسیدن، شرط نهادن، شرط کردن، گدایی کردن، معذرت‌خواهی کردن، نصیحت کردن، هشدار دادن (پهلوان نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷: ۱۱).

این نوع کنش گفتاری جهان را با محتوای گزاره‌ای که شامل عملی در آینده شنونده است، تطبیق می‌دهد. به عبارتی جهان بیرون را با کلماتی که بیان می‌شود، مطابقت می‌دهد. خواست یا درخواست‌های نویسنده را بیان می‌کند. کنش ترغیبی گوینده بخش تفسیر عرفانی، برای بیان درخواست‌هایش از خداوند به شکل دعا و نیایش دیده می‌شود. فراوانی این نوع کنش به سبب بیان درخواست‌ها در قالب نیایش و دعای جمعی و پس از آن پند دادن و اندرز و سفارشات گوینده به مخاطبان است که همچنان سخنگو خداوند است. توصیه‌های که به بندگان شده نیز نه از زبان میبیدی بلکه از زبان خداوند نقل می‌شود و قصد آن نیز علاوه بر ترغیب کردن مخاطب، نزدیک-تر کردن پیوندهای عاطفی میان خدا و انسان است. در این جا بازتاب جدال پنهان میبیدی با نگرش صوفیه اهل زهد دیده می‌شود.

«و قال ربکم ادعونی استجب لکم. ای عاصیان شکسته، ای مفلسان درمانده و پای‌به‌گل فرو شده، ای مشتاقان دردزده، ای دوستان یک‌دله، در هر حال که باشید، غرقه لطف و عطاء، یا خسته تیر بلا، همه ما را خوانید، همه ما را دانید، گرد در گرد ما گردید، عز از ما جوید، رونق مجمع عزیزان قرب ماست، قرب ما خواهید، جمال محفل دوستان حضور ماست، حضور ما جوید. هر کجا سه گدا

فراز آمدند، قرب حضرت ما آنجا جویید، ما یکون من نجوی ثلثه الا هو رابعهم. هر کجا در دزدده‌ای دمی گرم بر آورد، نسیم قرب حضرت از نسیم نفس او طلبید. هر کجا غمگینی آهی کرد، خود را در زیر آن آه تعبیه کنید. ای ملاء اعلی چندین هزار سال عبادت کردید و به آواز تقدیس خویش پاکی حضرت ما یاد کردید، لکن از نسیم وصال ما آگاهی ندارید. ای گدایان برهنه بی نوا؛ عبادت فرشتگان ندارید، نوای کروبیان ندارید، سرمایه روحانیان ندارید، لکن یک ذره سوز عشق دارید، آن یک ذره سوز و درد شما به عبادت هزار ساله فرشتگان و تسبیح فراوان روحانیان ندهیم...» (میبدی، ۱۳۸۲: ج ۸، ۵۰۰)

کاربرد کنش گفتاری ترغیبی نشان می‌دهد که میبدی از موضوعاتی که به جایگاه اجتماعی عالم دینی و فقیه بودنش بازمی‌گردد، به ترغیب مخاطب روی می‌کند. اما همچنان ترغیب کننده و گوینده حق تعالی است و جملات از زبان خداوند بیان می‌شود. به نظر می‌رسد، میبدی در جایگاه یک صوفی رغبتی به ترغیب صریح مخاطب ندارد. بدین سبب بسامد کنش ترغیبی کمتر از کنش اظهاری و عاطفی است. مانند:

- «اگر ترا گویند بهشت خواهی یا دو رکعت نماز؟ نگر تا بهشت اختیار نکنی، دو رکعت نماز اختیار کن» (همان، ج ۹، ۱۵۵). در این نمونه گوینده در قالب این جملات انشایی طلبی، مخاطب را ترغیب به انجام کاری می‌کند.

- «بپرهیزد از خشم و عذاب من. باز آید به وفای من. دریابید پند من. بترسید از بی وفایی من» (همان، ج ۶۳). در این چهار جمله امری گوینده به مخاطب هشدار داده و او را ترغیب کرده تا از کاری بپرهیزد و به کاری دیگر روی آورد.

- «ای گرویدگان و حق را جویندگان از ذات خویش هیچ مگوئید و از بر خویشتن در عرصه دین هیچ اساس منهدید و تکیه بر دانش و خرد خود مکنید و هرچه گوئید از گفت رسول ما گوئید و از فرمان او در مگذرید عهد او در دل گیرید و حکم او به جان پذیرید» (همان، ج ۹، ۲۵۳). در این نمونه کنش ترغیبی در شکل درخواست و طلب، مخاطب را ترغیب به انجام کاری و یا از انجام کاری نهی کرده است.

در مجموع از ۸۴۷ جمله ترغیبی در متن؛ کنش‌های ترغیبی حدود ۱۵٪ کل کنش‌ها را در بردارد. یافته‌ها نشان می‌دهند که بیشترین نمونه جملات کنش گفتاری ترغیبی در جلد اول با ۲۰۸ مورد و کمترین نمونه در جلد هشتم با ۱۷ مورد به دست آمده است.

۲-۴- کنش تعهدی^۴

کنش گفتاری تعهدی، برای بیان تعهد گوینده نسبت به تحقق عملی در آینده به کار می‌رود. گوینده با قول دادن و یا ادای سوگند متعهد می‌شود که در آینده کاری را انجام دهد. این کنش برای جلب اطمینان مخاطب ضرورت دارد. فعل‌های این گروه بیانگر؛ متعهد شدن، ضمانت کردن، سوگند خوردن، وعده دادن، قول دادن، داوطلب شدن، امتناع کردن، تهدید کردن، عهد کردن، پیمان-

بستن، موافقت کردن، تقدیم کردن هستند (پهلوان نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷: ۱۲). کنش‌های ترغیبی گاه بر درخواست برآوردن حاجات نیز دلالت دارند.

قصد این کنش تطبیق دادن جهان بیرون با محتوای گزاره‌ای عملی است که در آینده رخ خواهد داد. میبیدی با آن که آگاهانه از شطح دوری می‌کند؛ اما آنجا که سخنش بر محور بیان مهرورزی خداوند می‌گردد، بوی شطح می‌گیرد. بررسی شواهد نشان می‌دهد که باور درونی عمیق میبیدی به مهر و آمرزش خداوند، بنیاد کنش‌های گفتاری تعهدی در متن است. باری او به خود اجازه نمی‌دهد که از زبان خودش، مهر و آمرزش حق تعالی را ضمانت کند. از این روی همچنان از زبان خداوند از مهر او به انسان سخن می‌گوید و امید به بخشایش گناهان را ضمانت می‌کند. کنش‌های تعهدی برای جلب اطمینان خاطر مخاطب ضرورت دارد. به عنوان مثال نویسنده با قسم یادکردن یا وعده دادن، می‌خواهد شک و تردید احتمالی مخاطب را به بخشایش الهی از بین ببرد:

- «جلال احدیت و جمال صمدیت سوگند یاد می‌کند به طهارت قدس و به سناء عزّ خود که هر که به من امید رحمت دارد، نومیدش نکنم. هر کس به من طمع مغفرت دارد، رذش نکنم» (میبیدی، ۱۳۸۲: ج ۷، ۱۸۴). این شاهد از دو جمله تعهدی تشکیل شده است. میبیدی با استفاده از این حدیث قدسی و بیان ضمانت پروردگار و سوگند حق تعالی، مخاطب را به رحمت پروردگار و بخشش او از زبان حق تعالی امیدوار می‌کند:

- «به جلال عزّ بار خدای که مادر مهربان طفل گریان را چنان ننوازد که الله تعالی بنده عامی را نوازد به وقت عیان» (همان، ج ۹، ۴۲۷). در اینجا میبیدی با آوردن سوگند اطمینان می‌دهد که بی هیچ تردیدی و به یقین بندگان از رحمت حق برخوردار خواهند بود.

از کنش تعهدی برای وعده‌دادن بسیار استفاده می‌شود. از آنجا که بیشتر آیات بیانگر وعده و وعید هستند، میبیدی هم از زبان خداوند و قرآن از کنش گفتاری تعهدی در بیان وعده‌ها و همچنین وعیدها بهره برده است.

- «رب العالمین وعدهٔ راست کرد، گفت؛ لهم درجات عند ربهم و مغفرة و رزق کریم» (همان، ۲۴۵).

- «این قرآن راه جویان را راه است و بارخواهان را بار است و مؤمنان را شفیع و گواه است، امروز بشارت است و رحمت و فردا عزّ و ناز و کرامت، امروز رشاد است و راست راهی و فردا از عقوبت آزادی، مؤمنان را می‌راند به زمام حق در راه صدق، بر سنن صواب، بر چراغ هدی و بدرقهٔ مصطفی (ص)، روی به وادی نجات، وادی به وادی می‌راند، منزل به منزل. اول به منزل علم، پس منزل عمل، پس منزل صدق و اخلاص، پس منزل مهر و محبت تا فرود آرد در مقعد صدقِ عند ملیکِ مقتدر» (همان، ج ۵، ۱۰).

مجموع ۱۱۱ کنش تعهدی، حدود ۲٪ کل کنش‌های گفتاری را در بردارد. یافته‌ها نشان می‌دهند که بیشترین نمونه جملات کنش گفتاری تعهدی در جلد دهم با ۳۱ مورد و کمترین نمونه

در جلد دوم با ۲ مورد است.

۲-۵- کنش اعلامی^۵

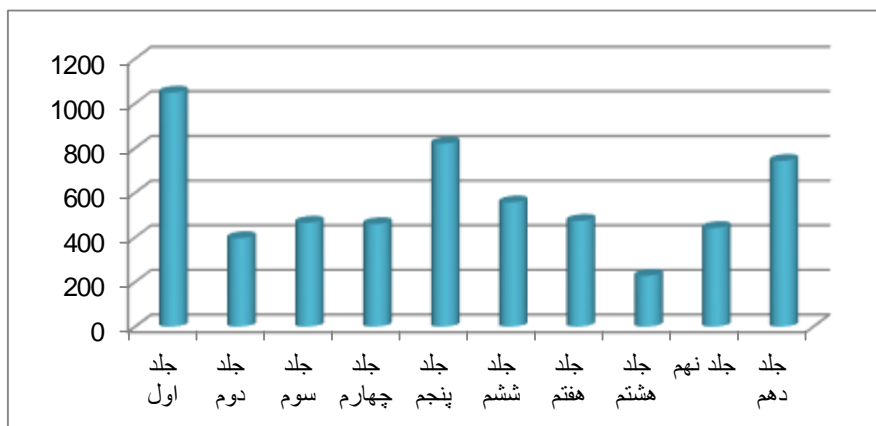
در این نوع از کنش‌های گفتاری، هدف، اعلام شرایط تازه برای مخاطب است؛ نام‌گذاری یک واقعه و اعلان یک رخداد. در این موارد گوینده باید در جایگاهی باشد که صلاحیت بیان شرایط جدید را داشته‌باشد. قصد این کنش اعلام شرایط تازه است. این کنش جهان بیرون را تغییر می‌دهد. افعال بیانگر کنش اعلامی عبارتند از: اعلام کردن، انتصاب کردن، نام‌گذاری کردن، شروع کردن، محکوم کردن. در بخش عرفانی کشف‌الاسرار از کنش اعلامی بیشتر برای بیان اصول دین بهره برده شده است. میبدی با این کنش به بیان تفسیر صوفیانه خود از اصول دین می‌پردازد. در این جا نیز گوینده و اعلام‌کننده خداوند است و میبدی در جایگاه اعلام توحید و نبوت نیست. در این کنش در باور نویسنده هم جهان با کلمات و هم کلمات با جهان بیرون مطابقت دارند. مانند

- «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمد عبده و رسوله و انکم اولیاء الله و احبائه» (همان، ج ۹، ۳۴۵). در جای دیگری می‌گوید: «می‌دانید که جز من خداوند نیست» (همان، ج ۵، ۲۴۴). این جمله فقط چون از جانب خداوند که آفریننده همه چیز و همه کس است، کنش اعلامی است و از دیدگاه میبدی صوفی، جز حق تعالی هیچ‌کس صلاحیت گفتن و شرایط بیان آن را ندارد. بخش تفسیر عرفانی در مجموع در بردارنده ۴۵ کنش اعلامی است که بیشترین آن در جلد نهم با ۱۴ مورد و کمترین مورد آن در جلد دهم بود که در نمونه‌های این جلد موردی از کنش اعلامی یافت نشد.

جدول ۲- فراوانی کنش‌های گفتاری در بخش تفسیر عرفانی

ر دیف	انواع کنش گفتاری	فراوانی	درصد
۱	کنش‌های گفتاری جلد اول	۱۰۴۹	٪۱۸/۶۱
۲	کنش‌های گفتاری جلد دوم	۳۹۷	٪۷/۰۴
۳	کنش‌های گفتاری جلد سوم	۴۶۶	٪۸/۲۶
۴	کنش‌های گفتاری جلد چهارم	۴۶۰	٪۸/۱۶
۵	کنش‌های گفتاری جلد پنجم	۸۲۰	٪۱۴/۵۴
۶	کنش‌های گفتاری جلد ششم	۵۵۷	٪۹/۸۸
۷	کنش‌های گفتاری جلد هفتم	۴۷۴	٪۸/۴۱
۸	کنش‌های گفتاری جلد هشتم	۲۲۸	٪۴/۰۴
۹	کنش‌های گفتاری جلد نهم	۴۴۲	٪۷/۸۴

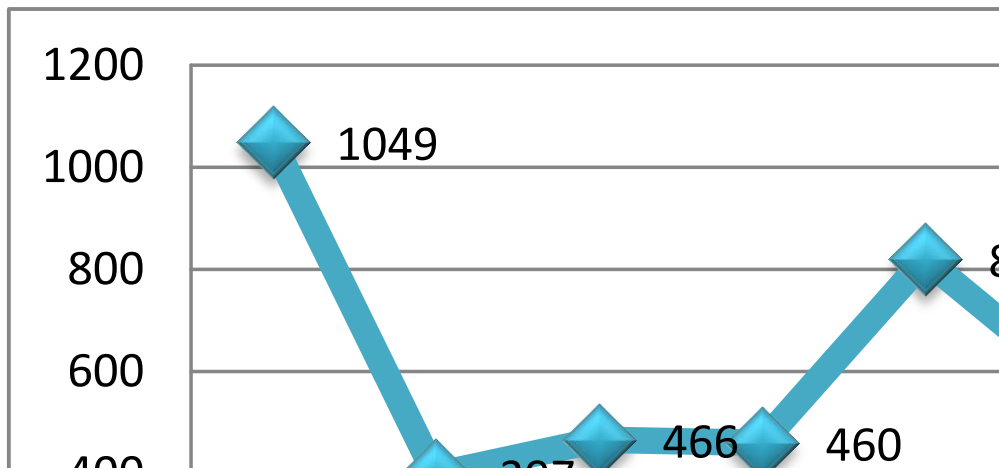
کنش‌های گفتاری جلد دهم	۷۴۳	٪۱۳/۱۸
جمع کل	۵۶۳۶	٪۹۹/۹۶



نمودار ۱- نمودار ستونی کنش‌های گفتاری در ده جلد کشف‌الاسرار و عده‌الابرار

۲-۲- تأثیر شرایط اجتماعی بر کنش‌های گفتاری

حال از دیدگاه بسامد متفاوت کنش‌های گفتاری در مجلدات ده‌گانه به مقایسه این مجلدات می‌پردازیم. اگر بپذیریم مؤلف همه مجلدات ده‌گانه ابوالفضل رشیدالدین میبدی است، بنابراین باید چنین گفت که: «گذشت زمان طولانی از آغاز تا پایان کار نوشتن تفسیر و فترت طولانی میان تألیف جلد ششم و هفتم تغییر مواضع نویسنده بر بسامد کنش‌های گفتاری در مجلدات تأثیر گذاشته است» (جبری، ۱۳۸۶). حال اگر فرض دیگری را هم بتوان پذیرفت که مجلدات ده‌گانه به دنبال هم تألیف شده‌اند، بنابراین باید از زاویه دیگری به داده‌ها نگریست؛ بر این اساس، می‌توان از مواضع‌گیری‌های پنهان میبدی در جریان‌های اجتماعی و گفتمان صوفیه روزگارش و از برخی تأثیرات اجتماعی، سیاسی جامعه بر تغییر مواضع گوینده سخن گفت.

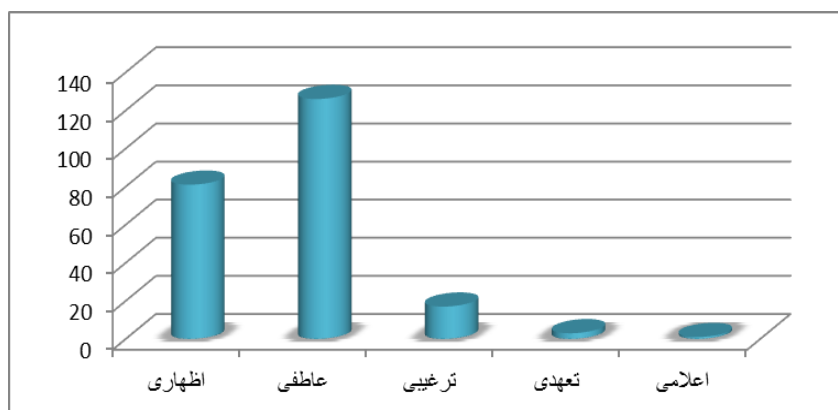


نمودار خطی و ستونی افت و خیزهایی را در بسامد کنش‌های گفتاری در مجلدات ده‌گانه نشان می‌دهد. آیا این افت و خیزها به ناگفته‌هایی در باره روابط و پیوندهای اجتماعی میبیدی و جامعه روزگارش در قرن ششم اشاره ندارند؟ به نظر می‌رسد، با توجه به فقیه بودن میبیدی و میانه‌روی ایشان در طریقت این نمودار تا حدود بسیار زیادی بازتابی از افت و خیزهای سیاسی و اجتماعی گفتمان صوفیه در جامعه قرن ششم در حوزه خراسان و هرات آن روزگار را هم نشان می‌دهد. اوج-های نمودار، کاربرد کنش‌های گفتاری بیشتر و پیوندهای بیشتر اجتماعی میبیدی صوفی با مخاطبان، نشان از چیرگی نگرش صوفیه اهل عشق و سکر دارد. زبان جلد اول با مجلدات دیگر تفاوت چشمگیری در نگرش و زبان دارد. بعد از آن جلد پنجم و دهم از خلاقیت‌های زبانی بیشتری برخوردار است و بار عاطفی بیشتری دارد و در نتیجه تأثیرگذارتر است. همچنین فرودهای نمودار بیانگر چیرگی اندیشه اهل شریعت و اهل صحو در متن و چیرگی بُعد ارتباطی بر بُعد عاطفی زبان است و نشان از مقاطع زمانی انزوای صوفیه اهل سکر و گرایش میبیدی به صوفیان اهل صحو و زهد و اهل شریعت دارد (ر.ک: جبری، ۱۳۹۴). وجود این ناسازگاری‌ها و سخن گفتن از تغییر مواضع میبیدی در طی دوران تألیف کشف‌الاسرار زمانی درست است که دو فرض مبنایی پیشین هر دو اثبات شوند.

این یافته‌ها نشانگر بی‌ثباتی شرایط اجتماعی و سیاسی و جدال جریان‌های فکری صوفیان هرات در قرن ششم است که بازتاب آن در بسامد متفاوت کنش‌های گفتاری مجلدات دیده می‌شود. همچنین می‌تواند نشان تمایل نویسنده به انزوا و دوری از جریانات و جدال‌های صوفیان خانقاهی باشد و می‌تواند نشان قدرت گرفتن و چیرگی سیاسی اجتماعی صوفیه اهل زهد و اهل شریعت و به کناره راندن صوفیان اهل عشق و سکر در هرات قرن ششم باشد. این یافته‌ها از تغییر نگرش و

با توجه به مطالب بالا و همان گونه که نمودارهای بعدی نشان می‌دهد ما با افت و خیزهایی در بسامد کنش‌های گفتاری در مجلدات دهگانه مواجهیم. جلد اول، سپس جلد پنجم و آخر جلد دهم از بیشترین بسامد کنش‌ها برخوردارند. جلد دوم و پس جلد هشتم از کمترین بسامد نمودارهای جلد ۱ و ۵ و ۱۰ بسیار به هم شبیه هستند. نکته جالب تفاوت نمودارها و قابلیت تقسیم‌بندی آن‌ها به دو دسته است.

دسته اول؛ نمودارهای کنش‌های گفتاری در مجلدات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰ هستند. در تمام این نمودارها ترتیب بسامد کنش‌های گفتاری عبارت است از: اظهاری، عاطفی، ترغیبی، تعهدی، اعلامی. نمودار این گروه کماکان شبیه همان نمودار کلی است که پیش از این ارائه شد. دسته دوم؛ نمودار جلد هشتم در آن جای می‌گیرد. ترتیب بسامد کنش‌ها عبارتند از: اظهاری، عاطفی، ترغیبی، اعلامی، تعهدی. این دسته با داشتن کنش‌های اعلامی بیشتر با نمودارهای دیگر مجلدات متفاوت است. بنابراین بسامد کنش‌های گفتاری در جلد هشتم نسبت به کل ده جلد ۴٪ است و کمترین بسامد را دارد.



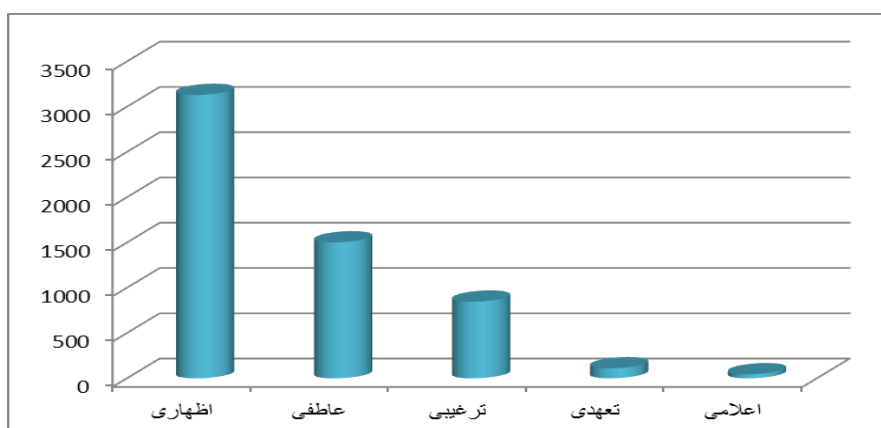
نمودار کنش‌های گفتاری در جلد هشتم

ناهم‌گونی جلد هشتم با دیگر مجلدات هم خود جای تأمل دارد. زبان نثر جلد هشتم نیز با نثر دیگر مجلدات متفاوت است. این تفاوت تا بدان حد است که گویی مؤلف جلد هشتم نه میبیدی بلکه نویسنده دیگری است. دلیل کم شدن بسامد کنش اظهاری هر چه هست، گواه کمتر شدن اهمیت قصد گوینده در روشنگری و بیان اندیشه‌های صوفیانه‌اش برای مخاطبان جامعه روزگارش است. به نظر می‌رسد در نثر متفاوت جلد هشتم نگرش عاطفی جانب‌دارانه و اندکی شعاری رنگ فرقه‌ای و خانقاهی دارد. پژوهشی دیگر که به دلایل متفاوت بودن ماهیت نثر در مجلدات ده‌گانه کشف‌الاسرار پرداخته‌است، یافته‌های این پژوهش را تأیید می‌کند: «تأثیرگذاری زبان میبیدی به ویژه زیبایی زبان در مجلدات جلد اول تا ششم خود نشانگر تأثیرگذاری بیشتر زبان نویسنده بر مخاطب در برخی مجلدات است. چنانکه نثر جلد هشتم و هفتم و نهم از زیبایی کمتر و به همان نسبت از قدرت

تأثیرگذاری کمتری نسبت به دیگر مجلدات برخوردار هستند» (جبری، ۱۳۹۴، ۴۷). در این جا یافته‌های مجلدات ده‌گانه در جدول و نمودار زیر ارائه می‌شود:

جدول ۲- فراوانی کنش‌های گفتاری در بخش تفسیر عرفانی ده جلد کشف‌الاسرار و عده‌الابرار

ردیف	انواع کنش گفتار	فراوانی	درصد
۱	کنش اظهاری	۳۱۳۱	۵۵/۵۵٪
۲	کنش عاطفی	۱۵۰۲	۲۶/۶۵٪
۳	کنش ترغیبی	۸۴۷	۱۵/۰۲٪
۴	کنش تعهدی	۱۱۱	۱/۹۶٪
۵	کنش اعلامی	۴۵	۰/۷۹٪



نمودار ستونی کنش‌های گفتاری در مجلدات ده‌گانه بخش تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار و عده-

الابرار

۲- نتیجه

در مجموع کل نمونه‌های جمع‌آوری شده از کنش‌های گفتاری ۵۶۳۶ مورد است که پربسامدترین آن، کنش اظهاری با ۵۵٪، پس از آن کنش عاطفی با ۲۶٪، سپس کنش ترغیبی با ۱۵٪، بعد نیز کنش تعهدی با ۱٪ و کم بسامدترین آن کنش‌های اعلامی با کمتر از ۱٪ دیده می‌شود.

اکنون با توجه به شاخصه‌هایی چون پویایی نثر فارسی در قرن ششم، مرکزیت فرهنگی جامعه

هرات، حضور فرقه‌های گوناگون صوفیانه در هرات، جایگاه اجتماعی فقاهت میبیدی، جدال‌های کلامی، شیوه تفسیر عرفانی میبیدی، تمایلات درونی صوفیانه نویسنده، برخی تحلیل‌ها از بازتاب شرایط اجتماعی جامعه روزگار میبیدی به طور کلی ارائه می‌شود.

میبیدی با گفتارش دو قصد یا کنش برجسته انجام داده است: نخست؛ بیان اندیشه‌های صوفیانه‌اش در لابه‌لای بیان اندیشه‌ها و روایات صوفیان بزرگ پیش از خود با ارائه نگرش عمیق و آگاهی همه‌جانبه از جریان‌های فکری صوفیه. این آگاهی تحسین‌برانگیز است. قصد نویسنده پس از اظهار این باورها، سامان دادن به نظام فکری صوفیه به شکل یک نظام اندیشه یکپارچه و بدون تناقض است. به عبارتی، بسامد بیش از ۵۵٪ کنش‌های اظهار اهمیت و ضرورت بیان باورهای صوفیانه به شکلی منسجم را نشان می‌دهد. بنابراین احساس ضرورت این ساماندهی در نزد میبیدی خود نشانگر مهم و آسیب‌زا بودن جدال‌های فرق صوفیه در مرکز فرهنگی برجسته خراسان آن روزگار یعنی جامعه هرات است و راه‌کار راه‌بردی گزیده میبیدی؛ از میان برداشتن چالش‌های تناقض‌زا برای پایدار نگاه داشتن دستاوردهای اجتماعی نگرش صوفیانه است.

دومین قصد یا کنش برجسته میبیدی بیان احساساتش بوده و از آن کنش‌های عاطفی با ۲۶٪ است. انتظار می‌رفت با توجه به تفسیری بودن متن کنش‌های ترغیبی بسامد بیشتری داشته باشد، اما چنین نیست. سبب بسامد بیشتر کنش‌های عاطفی آن است که بنیاد نگرش مشترک صوفیه به دین، نگرش عاطفی و پیوند عاشقانه میان آفریننده و آفریده است. در این موارد او سخن‌گوی عاطفه جمعی بشری است. به راستی نیز مرز میان شریعت و طریقت در پذیرش بنیادین پیوند دوسویه عاشقانه خدا و انسان نهفته است. همچنان که بنیاد نگرش صوفیه پیروان مکتب اهل عشق بر آن قرار دارد. بنابراین، میبیدی، این فقیه و مفسر عالی‌مرتبه روزگار خود، در میدان جدال جریان‌های فکری دوران دل به نگرش صوفیان اهل عشق داده است و در جایگاه یک صوفی اهل عشق بر آن است تا جوشش شوق و شور و عاشقانه انسان را در پیشگاه خالق هستی و به عنوان جزئی از هستی که از او است، بیان کند. او عشق را بنیاد و نقطه گردهمایی همه مشرب‌های صوفیانه دیده و بر بنیاد این مرکزیت میراث اندیشه‌های صوفیانه را سامانی خردمندانه بخشیده و هیچ گاه از روح شریعت و ضرورت عمل به احکام دور نشده است. اما احکام شریعت را به رنگی از پیوند خدا و انسان و عبادت عاشقانه درمی‌آورد تا با ایجاد یگانگی میان بنیادهای اندیشه دینی و اندیشه صوفیانه بی‌پایگی و بی‌هودگی جدال‌های فرقه‌های گوناگون را نشان دهد. او با کاربرد بیش از ۲۶٪ کنش‌های عاطفی و تکیه بر فراخوانی عاطفه جمعی بشری، تلاش می‌کند تا پیش‌داوری‌ها را از عرصه داوری‌های مخاطبانش بزدايد و اندیشه‌های صوفیه را از ناسازهای چالش‌زا بیالاید و میان شریعت و طریقت به سازش و جمع‌بندی برسد تا بتواند از تفاوت‌ها و تقابل‌ها گذر کند و همگان را بر محور ارزش‌های مشترک و جاودان الهی و بشری در جامعه روزگارش گرد هم آورد.

^۱Representative Act or Assertives Act

^۱ Declartion Act

^۱ Directive Act

^۱ Commissive Act

^۱ Expressive Act

منابع

- ۱- آلستون، ویلیام. پ. (۱۳۸۰) فلسفه زبان، ترجمه تادر جهانگیری، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۲- ابوالحسنی چیمه، زهرا (۱۳۸۲) «شگردهای زبانی در تبلیغات»، نامه فرهنگستان، شماره ۲۱، صص ۱۱۸-۱۳۰.
- ۳- اصطهباناتی، لیدا (۱۳۸۶) «تحلیل کنش‌گفتاری پاره‌ای از متون سیاسی معاصر» پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی (آزفا). دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۴- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۷۲) مجموعه رسائل فارسی، تصحیح محمد سرور مولایی، چاپ اول، تهران، توس.
- ۵- پهلوان نژاد، محمدرضا؛ اصطهباناتی، لیدا (۱۳۸۷) «بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های روسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵ سازمان ملل»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۵۱، شماره ۲۰۸، صص ۱-۲۴.
- ۶- -----؛ رجب زاده، مهدی (۱۳۸۹) «تحلیل متن شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا(ع) بر پایه نظریه کنش‌گفتار»، فلسفه و کلام، سال چهل و دوم، شماره ۸۵، صص ۳۷-۵۴.
- ۷- -----؛ ناصری مشهدی، نصرت (۱۳۸۷) «تحلیل متن نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی شناسی کاربردی»، زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۶، شماره ۶۲، صص ۳۷-۵۸.
- ۸- زرقانی، سیدمهدی؛ اخلاقی، الهام (۱۳۹۱) «تحلیل ژانر شطح براساس نظریه کنش‌گفتار»، ادبیات عرفانی، سال سوم، شماره ۶، صص ۶۱ تا ۸۰.
- ۹- جبری، سوسن، (۱۳۸۶) ویژگی‌های نثر عرفانی میبیدی، رساله دکتری، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد.

- ۱۰- -----، (۱۳۹۴) «چالش‌های متنی در تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار»، پژوهش‌های ادبی، انجمن زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۱، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۹۳، صص ۴۷-۷۲.
- ۱۱- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۶۸)، دلائل الاعجاز فی القرآن، ترجمه سید محمدراد منش، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۱۲- چاوشیان، حسین (۱۳۸۶-۱۳۸۷) «زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان»، ادب پژوهی، شماره ۴، صص ۱۱۷-۱۴۰.
- ۱۳- ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۰) « هستی‌شناسی معنا»، معرفت فلسفی، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۸۵-۱۱۴.
- ۱۴- سرل. جان. (۱۳۸۵). افعال گفتاری، ترجمه علی عبداللهی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. قم.
- ۱۵- سهلگی، محمد بن علی، (۱۳۸۴) دفتر روشنائی، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ دوم، تهران، سخن.
- ۱۶- شیفر، ریچارد ال و دیگران (۱۳۸۲) آمارگیری نمونه‌ای، ترجمه کریم منصور فرد، تهران سمت.
- ۱۷- صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۸) تاریخ ادبیات در ایران، تلخیص محمد ترابی، چاپ هفتم، تهران، فردوس.
- ۱۸- صفوی، کوروش (۱۳۸۳) درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران، سوره مهر.
- ۱۹- عرب یوسف آبادی، فائزه و دیگران، (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی کنش‌های گفتاری مقامه فی السکباج از مقامات حمیدی با مقامه المضیریه از مقامات بدیع الزمان همدانی»، ادبیات تطبیقی، شماره ۷، صص ۱۲۵ - ۱۴۸.
- ۲۰- فضائلی، مریم؛ نگارش، محمد (۱۳۹۰) « تحلیل خطبه پنجاه و یکم بر اساس تقسیم بندی سرل از کنش‌های گفتاری»، علوم قرآن و حدیث، شماره ۸۶، صص ۸۱-۱۱۸.
- ۲۱- صانعی‌پور، محمدرضا. (۱۳۹۰) مبانی تحلیلی کارگفتی در قرآن کریم، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- ۲۲- مشرف، مریم. (۱۳۸۲) نشانه‌شناسی تفسیر عرفانی، چاپ اول، تهران: نشر ثالث.
- ۲۳- مکاریک، ایرنا ریما، (۱۳۸۴) دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهرا مہاجر، محمد نبوی، چاپ اول، تهران، آگه.
- ۲۴- مسرت، حسین، (۱۳۷۴) کتاب‌شناسی ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۲۵- میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۸۲) کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، تصحیح علی اصغر حکمت، چاپ هفتم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۶- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۵) ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی، تهران، هرمس.
- ۲۷- یول، جورج (۱۳۸۹) کاربرد شناسی زبان، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، تهران، سمت.

۲۸- Searl, John R. & Simpson, Paull. (۱۹۶۹). *Speech acts: An Essay in the philosophy of Language*. Cambridge University Press. Cambridge.

۲۹- Austin, J. L. (۱۹۷۰). *How to Do Things With Words? The William James. Lectures Delivered at Harvard University*. Harvard university press. Cambridge, Massachusetts.
